

## تنزیه حضرت یونس (علیه السلام)

حضرت یونس (علیه السلام) به ستم‌گر بودن خویش اعتراف کرده است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: و ذا النون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر عليه فنادي في الظلمات أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين...



حضرت یونس (علیه السلام) به ستم‌گر بودن خویش اعتراف کرده است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: و ذا النون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر عليه فنادي في الظلمات أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين (1)؛ یادآور حال یونس را هنگامی که از میان قوم خود خشمگین بیرون رفت و چنین پنداشت که ما هرگز او را در تنگنا قرار نخواهیم داد؛ اما وقتی به کام نهنگ فرو رفت، در آن تاریکی‌های دریا و شکم نهنگ فریاد برآورد: خدایا! جز تو معبودی نیست. تو از شرک و شریک و هر عیب و آلودگی پاک و منزهی و من از ستم‌کارانم.

اگر خشمناک شدن او از دست مردم به حق بود، چرا به کام نهنگ فرو رفت و خود را ستم‌کار خواند. این امور با معصوم بودن یک پیامبر سازگار نیست. به ویژه، کار او به قدری سنگین و مشکل بود که خداوند در این باره فرمود: اگر او از تسبیح کنندگان نبود، تا روز قیامت در شکم ماهی زندانی بود: فلولا أنه كان من المسبّحين \* للبت في بطنه إلی يوم يُبعثون (2)؛ ولی لطف خدا شامل حال او شد و دعایش به هدف اجابت رسید و از اندوه نجات یافت؛ زیرا او مؤمن واقعی بود و خداوند مؤمنان راستین را از اندوه می‌رهاند: فاستجبنا له و نجّيناه من الغمّ و كذلك نُنجي المؤمنین (3). برخی در پاسخ گفته‌اند: حضرت یونس، مرتکب ترک اولی شد. او می‌بایست تحمل و صبر فراوان به خرج می‌داد و شتاب و عجله نمی‌کرد. لذا، قرآن به این نکته تذکر داده است که او زود صبر را از دست داد و شکیبایی و حوصله‌اش به سر رسید. از این رو، خدای سبحان، خطاب به پیامبر اسلام (صلي الله عليه و آله و سلم) می‌فرماید: فاصبر لحکم ربّک و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادى وهو مکظوم \* لولا أن تدارکة نعمة من ربّه لثبذ بالعرء و هو مذموم \* فاجتباہ ربّه فجعله من الصالحین (4)؛ در امتثال حکم پروردگارت شکیبا باش و مانند همدم ماهی (حضرت یونس (علیه السلام)) مباش؛ آن‌گاه که اندوه زده ندا داد. اگر لطفی از جانب پروردگارش تدارک حال او نمی‌کرد، قطعاً نکوهش شده بر زمین خشک انداخته می‌شد. پس، پروردگارش او را برگزید و از شایستگی‌هایش گردانید (5).

مأمون از امام هشتم علی بن موسی الرضا (علیه السلام) درباره : و ذا النون إذ ذهب... سؤال کرد آن حضرت فرمود: این شخص یونس بن متی است. او یقین داشت که خداوند بر او تنگ نمی‌گیرد، ولی وقتی به شکم ماهی فرو رفت و از مسبّحین بود، گفت: من از ستم‌کاران بودم که می‌توانستم همه اوقات خویش را صرف این عبادت (تسبیح و تقدیس خدا) کنم و این‌گونه که الان (در شکم ماهی) به ذکر عبادت مشغولم، اشتغال نورزیدم: بترکی مثل هذه العبادة التي قد فرغتنی لها فی بطن الحوت. آن‌گاه خداوند، دعای او را به هدف استجابت رساند و فرمود: فلولا أنه كان من المسبّحين \* للبت في بطنه إلی يوم یبعثون (6).

در حدیث آمده که حضرت یونس (علیه السلام) خاطر جمع بود که خداوند بر او تنگ نخواهد گرفت. لذا، خداوند او را تنها یک لحظه به خود وا گذاشت و او شکیبایی خود را از دست داد و بر قومش خشمگین شد. از این رو، امّ سلمه (همسر پیامبر اسلام (صلي الله عليه و آله و سلم)) گوید: شبی که نوبت من بود تا پیامبر در اتاقم بیتوته کند، در دل شب دیدم که پیامبر در رختخوابش نیست. هنگام جست‌وجو او را دیدم که در گوشه خانه ایستاده و دست‌ها را به جانب آسمان بلند کرده است و گریان می‌گوید: اللهم لاتنزع منی صالح ما أعطیتنی أبداً، اللهم لا تُثمت بی عدوّاً و لا حاسداً، اللهم لاتردنی فی سوء استنقذتنی منه أبداً، اللهم و لاتکلنی إلی نفسی طرفة عین أبداً.

امّ سلمه گوید: در حالی که می‌گریستم به اتاقم بازگشتم. پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) بازگشت و سبب گریه‌ام را پرسید. عرض کردم که برای گریه شما گریان شدم که با این همه مقام و منزلتی که در پیشگاه خداوند دارید، این‌سان می‌گریید؟ حضرت رسول (صلي الله عليه و آله و سلم) فرمود: چگونه گریه نکنم و ایمن باشم، حال آن‌که خداوند، حضرت یونس بن متی را یک لحظه به خود وا گذاشت و چیزی به سرش آمد که آمد: یا امّ سلمة! و ما یؤمننی وإتما وکلّ الله یونس بن متی إلی نفسه طرفة عین، فکان منه ما کان (7).

خلاصه آن‌که 1. حضرت یونس (علیه السلام) گذشته از مقام شامخ نبوت، رسالت و عصمت، مورد عنایت ولایی خداوند بود و از نعمت ولایت ویژه الهی طرفی بسته بود؛ زیرا قرآن کریم در این باره چنین فرموده است: لو لا أن تدارکة نعمة من ربّه لثبذ بالعرء و هو مذموم (8)؛ زیرا مقصود از این نعمت، همان فیض ولایت خداست و کسی که تحت ولایت مستقیم خداست، از گزند هر کژراهه مصون است. پس، هیچ انحرافی در سیره و ستّ آن حضرت (علیه السلام) پدید نیامد و نیز مورد هیچ‌گونه نکوهش نبوده و نیست.

2. صبر و استقامت، دارای درجات متعدّد و گونه‌گونه است و مقدار لازم آن که نصاب مسؤولیت‌پذیری است، در همه رهبران معصوم

بوده است؛ ولی مرتبه برین و برتر آن در برخی از انسان‌های معصوم حاصل است و در بعضی نسبت به برخی از موارد، منتفی است.  
3. آنچه درباره حضرت یونس (علیه‌السلام) رخ داد، همان فقدان مرتبه برین صبر در گوشه‌ای از مأموریت‌های راجح (نه واجب) بوده است و قرآن کریم در این باره فرمود: فاصبر لحکم ربک و لا تکن کصاحب الموت إذ نادى و هو مکظوم (9؛ یعنی پیامبر! در برابر حکم پروردگارت صابر و بردبار باش و مانند صاحب ماهی - یعنی حضرت یونس (علیه‌السلام) - مباش؛ هنگامی که پروردگار خود را خواند، در حالی که خشم خود را تحمّل، و دشواری هضم آن وی را اندوهناک کرد.

4. پدید آمدن چنین دشواری دردناک از یک سو، و از دست دادن مرتبه برین بردباری از سوی دیگر، زمینه نقص را فراهم کرد که همین مطلب، مصحح اسناد ظلم به معنای نقص است.

1. سوره انبیاء، آیه 87.

2. سوره صافات، آیات 143 - 144.

3. سوره انبیاء، آیه 8

4. سوره قلم، آیات 45 - 48.

5. تفسیر کبیر، ج 21، ص 214 - 215.

6. سوره صافات، آیات 143 - 144؛ بحار الأنوار، ج 11، ص 82؛ تفسیر نورالثقلین، ج 3، ص 449

7. تفسیر نورالثقلین، ج 3، ص 450، ح 140.

8. سوره قلم، آیه 49.

9. سوره قلم، آیه 48.

وحی و نبوت، ص 268-271